

(۱)

تا دو دهه قبل نزد بسیاری از صاحب نظران رادیکال در علوم اجتماعی و کوشندگان سیاسی، کثرت‌گرایی (پلورالیسم) یک دشنام محسوب می‌شد. در آن زمان کثرت‌گرایی متعلق به یک سنت فکری خاص دانسته می‌شد و از سر تحقیق به آن برچسب محافظه‌کار بودن می‌زدند. این سنت فکری، عمدتاً جنبه لیبرال داشت و محل نشو و نمای آن ایالات متحده بود. در طول سه دهه (۱۹۵۰، ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی) بسیاری از رادیکال‌های سیاسی، کثرت‌گرایی آمریکایی را بلندگوی سرمایه‌داری غربی و ایدئولوژی جنگ سرد می‌دانستند و برخی از نمایندگان اصلی این مکتب، مانند رابرت دال، گابریل آلموند، سیدنی وریا را مورد حمله شدید لفظی قرار می‌دادند.

اما از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی، تغییر کلی در این فضای فکری حادث شده است. دیگر کثرت‌گرایی یک اندیشه محافظه‌کارانه و هوادار وضع موجود تلقی نمی‌شود، بلکه به شعار اصلی‌ترین هواداران تغییر تبدیل شده است. اکنون نه تنها نگاه تمسخرآمیز به

## Pluralism

Gregor McLennan

معرفی و نقد کتاب:

### کثرت‌گرایی

Gregor McLennan, *Pluralism*, Minneapolis, University of Minnesota press, 1995, Pages: 116.

کتاب "کثرت‌گرایی" تألیف گرگور مک‌لنن، در سال ۱۹۹۵ میلادی از سوی انتشارات دانشگاه مینسوتا به چاپ رسیده است و مشتمل بر ۱۱۶ صفحه می‌باشد.

اصلاح‌طلبان، محافظه‌کاران و رادیکال‌ها اکنون، در مقایسه با گذشته، همگی نگرش مثبت‌تری به کثرت‌گرایی دارند. البته نظرات مک‌لنن، به نوبه خود، در ایجاد این محیط فکری بی‌تأثیر نبود. او یکی از افراد وابسته به نسل جدید کثرت‌گرایان بوده و در به راه انداختن این موج شرکت داشته است. گذشته از این، او از نویسندگان پیگیر در این زمینه است. مک‌لنن در کتاب "مارکسیسم، کثرت‌گرایی و ورای آن" (۱۹۸۹) برای نخستین بار بحث نسبتاً مفصلی را دربارهٔ ریشه‌های کثرت‌گرایانهٔ افکار نو مارکسیستی<sup>۲</sup> و پسا مارکسیستی<sup>۳</sup> ارائه داد و در طول دو دههٔ اخیر، موقعیت وی به‌عنوان یکی از شارحان کثرت‌گرایی تثبیت شده است.

مک‌لنن در کتاب "کثرت‌گرایی"، از زاویهٔ متفاوتی به مسأله می‌نگرد. در کتاب قبلی، او یک مکتب سیاسی - اجتماعی را انتخاب کرد و رگه‌های کثرت‌گرایانه را در آرای نویسندگان وابسته به این مکتب شناسایی نمود. اما در کتاب حاضر، او دامنهٔ

کثرت‌گرایی کنار گذاشته شده است، بلکه همان انگاره‌هایی که زمانی در خدمت شیوهٔ زندگی لیبرالی تصور می‌شدند، با همهٔ قوا، در خدمت اهداف منتقدین لیبرالیسم قرار گرفته‌اند. این چرخش فکری تصادفی صورت نگرفت. چپ‌های سیاسی در غرب، پس از فروپاشی شوروی سابق و بحران مارکسیسم، تغییر رویه داده‌اند. بسیاری از آنان دیگر باور ندارند که کوشش نظری در ذات خود باز نمایاننده است و باورهای قدیمی‌شان در زمینهٔ یگانه‌انگاری (مونیسیم) و کلیت‌انگاری (هلیسم) متزلزل شده است. آنها دیگر جهان‌بینی را پنجره‌ای گشوده به روی جهان نمی‌دانند و جزم باوری مسلکی‌شان سست شده است. در چنین شرایطی، گفت‌وگو دربارهٔ تکثر، تنوع و چندگانگی دیگر آنها را بیمناک نمی‌کند، بلکه به استقبال آن می‌روند.

## (۲)

گرگور مک‌لنن پروفیسور جامعه‌شناسی در دانشگاه میسی<sup>۱</sup> در نیوزلند در چنین فضایی کتابی را دربارهٔ کثرت‌گرایی به رشته تحریر درآورده است. طبعاً او نمی‌تواند از فضایی فاصله بگیرد که به شدت نسبت به کثرت‌گرایی رویکردی مثبت دارد؛ زیرا

1- Massey                      2- Neo - Marxism

3- Post - Marxism

اینکه هویت‌ها و افکار مختلف بتوانند در تصمیم‌گیری‌ها شرکت کنند و اینکه آرای متفاوت مجال بیان شدن داشته باشند، می‌شوند. (صص ۶ و ۷)

### (۳)

در حال حاضر، کثرت‌گرایی جزء آن دسته از ارزش‌ها است که هر کس از ظن خود به آن استناد می‌کند و معنای آن چندان روشن نیست؛ به صورتی که می‌توان یک کثرت‌گرای رادیکال یا محافظه‌کار بود. نویسنده یکی از اهداف کتاب خود را ایضاً و ارزشیابی دیدگاه‌های مختلف درباره کثرت‌گرایی قرار داده است. (ص ۶) البته او کاملاً بی‌طرف باقی نمی‌ماند و رویکرد خاص خود را نیز دارد. به عقیده او، مهمترین ویژگی‌های کثرت‌گرایی، ترجیح دادن تنوع به همسانی و چندگانگی به تک بودن است. (ص ۲۵) به این ترتیب، منطق مفهومی کثرت‌گرایی به طرز آشکاری علیه یگانه‌انگاری در همه حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و حتی فلسفه برانگیخته می‌شود.

به گمان من، این تفکیک مک‌لنن اهمیت زیادی دارد و می‌تواند ملاک خوبی برای تشخیص کثرت‌گرایان از رقیبانشان

بحث را گسترش می‌دهد و خود را به یک مکتب خاص محدود نمی‌کند؛ بلکه به جای آن تحولات افکار کثرت‌گرایانه را در سه نسل (کثرت‌گرایی اولیه انگلیسی - کثرت‌گرایی متعارف آمریکایی - کثرت‌گرایی جدید رادیکال) بررسی می‌کند. هم‌چنین، در کتاب حاضر به بحث‌های روش‌شناختی و شناخت‌شناسانه با گستردگی بیشتری پرداخته شده است. نویسنده خود در مقدمه کتاب این موضوع را برای خوانندگان روشن می‌کند و توضیح می‌دهد که از سه زاویه روش‌شناختی، اجتماعی - فرهنگی و سیاسی، کثرت‌گرایی را بررسی می‌کند. در هر مورد شاخص‌هایی نیز ارائه شده است. در مورد کثرت‌گرایی روش‌شناختی، این شاخص‌ها عبارت‌اند از: چندگانگی روش‌های تحقیق، چندگانگی الگوهای فکری (پارادایم‌ها)، تعدد حقیقت‌ها و تعدد جهان‌ها. در مورد کثرت‌گرایی اجتماعی - فرهنگی، این شاخص‌ها عبارت‌اند از: تعدد گونه‌های روابط اجتماعی مهم، تعدد خرده فرهنگ‌ها، چندگانگی هویت‌ها. در مورد کثرت‌گرایی سیاسی، این شاخص‌ها شامل به رسمیت شناختن تفاوت‌های اجتماعی و فرهنگی،

کند. از یک طرف از یگانه‌انگاری انتقاد می‌کند و از تلاش‌های فکری که بتواند تنوع و چندگانگی را از چنگ بدیل‌های یگانه‌انگار بیرون بکشد، حمایت می‌کند. (ص ۲۵) از این لحاظ، وی هوادار تکثر در امور سیاسی و اجتماعی است. ولی از طرف دیگر، از افراط کاری در این زمینه پرهیز می‌کند و نسبی‌گرایی مطلق را مخالف روح کثرت‌گرایی اصیل می‌داند؛ زیرا در نهایت خود آن به یک یگانه‌انگاری جدید منجر می‌گردد. (ص ۹۹)

مکلنن بالاخره می‌پذیرد که برخی روش‌ها در قیاس با سایر روش‌ها مقبولترند و بهتر می‌توانند مسائل را توضیح دهند. اگرچه به نظر وی هیچ مسیر تفسیری مشخص به سمت عینیت وجود ندارد و می‌توان تعداد دیدگاه‌های رقیب را کنار یکدیگر پذیرفت؛ ولی این به معنای آن نیست که همه آنها به یک اندازه معتبرند. (ص ۷۰) این طرز تلقی، مکلنن را به رویکرد کثرت‌گرایی انتقادی نزدیک می‌کند.

#### (۴)

در زمینه سیاسی نیز مکلنن در برخورد با مسأله کثرت‌گرایی، موضع بینابین اتخاذ می‌کند؛ هرچند در این زمینه موضع او به کثرت‌گرایان جدید رادیکال نزدیک‌تر است.

باشد. در دنیای امروز، برخی ارزش‌ها مقبولیت بیشتری یافته‌اند و به همین دلیل، افراد خود را به آن متناسب می‌کنند؛ بدون آنکه واقعاً واجد آن باشند. تأکید بر تنوع و چندگانگی می‌تواند ملاکی برای ارزشیابی ادعاهای کثرت‌گرایانه باشد. جریان‌های فکری اصیل کثرت‌گرایانه همواره نسبت به یگانه‌انگاری از خود واکنش نشان داده و نسبت به آن اعتراض داشته‌اند (ص ۲۷) و از این رو مخالف جست‌وجو برای کشف وحدت در عالم واقع، تاریخ و جهان هستند. در عرصه اندیشه نیز کثرت‌گرایی واقعی نمی‌تواند به بهانه بی‌جا و نامعقول بودن، اسلوب‌های تفسیری را کنار بگذارد. (ص ۵۳) این رویکرد باعث شده که کثرت‌گرایی از سوی منتقدین آن، به نسبی‌گرایی و خردگریزی متهم شود؛ زیرا اگر همه روش‌ها به یک اندازه حق حیات داشته باشند و نتوان عقیده‌ای را به عقیده دیگری برتری داد، چاره‌ای جز افتادن به ورطه نسبی‌گرایی باقی نمی‌ماند و کثرت‌گرایی نخواهد توانست از نسبی‌گرایی فراتر برود.

مکلنن می‌کوشد درمقابل این انتقاد، موضع‌گیری محتاطانه و دو پهلوئی اتخاذ

کثرت‌گرایان رک‌گو مخالف است و دیدگاه‌های سیاسی پست‌مدرن و پسا- ساختارگرا را با واقعیت‌های ملموس قابل جمع نمی‌داند.

به‌طور کلی، کثرت‌گرایانِ رادیکال و انتقادگرا می‌خواهند موضعی بینابین چپ سنتی و راست و دیدگاه‌های جدید پست‌مدرن اتخاذ کنند. از یک سو آنان، برخلاف نگرش‌های نسبی رادیکال، دیگر چندان بر ایده‌رهای تأکید نمی‌کنند و به جای آن ترجیح می‌دهند که از رقابت برای کسب هژمونی سخن بگویند. از این دیدگاه، یگانه‌انگاری فرضی سیاست‌های چپ سنتی درست نیست. به‌طور مثال، تأکید بر نقش طبقه به‌عنوان ویژگی منفرد تعیین‌کننده باید تعدیل شود و به نقش آگاهی تاریخی طبقه و نقش کارگزاران انقلابی باید با تردید نگریست. (ص ۸۱)

به جای آن، کثرت‌گرایی جدید رادیکال از سیاست مبتنی بر تفاوت<sup>۱</sup> دفاع می‌کند. سیاستی که در آن حق چندگونگی و تابع منطق واحدی نبودن پذیرفته می‌شود و امکان بیان صداهای مختلف وجود دارد.

انتقاد شدید از لیبرالیسم و تلقی خاص وی از جامعه مدنی، این امر را موجب شده است. او در بخشی از کتاب خود اذعان می‌دارد که ضرورتاً کثرت‌گرایی حرکتی چپ‌گرایانه نیست (ص ۸۵)، ولی رویکرد وی به کثرت‌گرایی نسبتاً رادیکال است. وی توصیه می‌کند برای آنکه امکانات بالقوه رادیکال کثرت‌گرایی ثمر دهد، باید به نحوی از انحصار ارتباط آن با تفکرات فردگرایانه لیبرالی قاطعانه گسیخته شود. (ص ۸۴) یا در جای دیگری می‌نویسد:

«کثرت‌گرایی دمکراتیک

رادیکال کاملاً با کثرت‌گرایی لیبرال

و عمل‌گرا (پراگماتیست) هم‌گرایی

ندارد؛ زیرا برخی از اهداف

سوسیالیستی و انسان‌گرایانه را

حفظ کرده است. بعضی افراد

نسبت به بقای این مؤلفه

سنت‌گرایانه در اندیشه‌های

کثرت‌گرایی دمکراتیک رادیکال

احساس ناخرسندی می‌کنند، وجود

این مؤلفه به دلایل اخلاقی و

تحلیلی لازم است.» (ص ۱۰۰)

این عبارت نشان می‌دهد که مک‌لنن به

دلایل سیاسی و اخلاقی، با برخی نظرات

نژادهای گوناگون، مانع نتیجه‌بخش بودن یک فرمول یا دستورالعمل واحد می‌شود و باید با توجه به شرایط، به دنبال راه حل‌های مشخص رفت؛ چراکه کهکشان‌های اندیشه فرق می‌کنند و ما به لحاظ هستی‌شناختی، با جهان‌های مختلفی سر و کار داریم. البته اثبات این موضوع چندان آسان نیست. زیرا برخلاف ستاره‌شناسی که تعدد جهان‌ها از لحاظ تجربی و حسی کاملاً آشکار است، در عرصه علوم اجتماعی چنین بداهتی وجود ندارد و باید آن را به لحاظ نظری اثبات کرد. (ص ۷۴)

به‌طور کلی، پذیرش کثرت فرهنگ‌ها و گفتمان‌ها، یکی از مقدمات قیاسی شرایط سیاسی پست‌مدرن محسوب می‌شود. این امر مستلزم وجود یک سیاست فرهنگی جدید و سیاست مبتنی بر تفاوت است. بر همین اساس، سیاست‌های مورد توجه کثرت‌گرایی جدید رادیکال، برحسب مورد، بر ضرورت تنوع‌طلبی، سیاست‌های هویتی، دموکراسی رادیکال، جمهوری‌خواهی جدید و افزایش نقش جنبش‌های جدید اجتماعی تأکید می‌کنند. نویسنده کتاب این رویکردهای سیاسی - فرهنگی کثرت‌گرایانه را زمینه‌ساز رشد دیدگاه‌های پسا مارکسیستی،

انتظار آنان از چپ سنتی این است که می‌خواهد به نام دستیابی به رهایی و رسیدن به یک جامعه عاری از طبقات، نوعی تک‌صدایی را حاکم کند. هواداران سیاست مبتنی بر تفاوت، با چنین تصویرسازی‌هایی به شدت مخالفند. (ص ۸۱)

رواج عقاید وابسته به "سیاست مبتنی بر تفاوت"، یکی از تحولات عمده اندیشه سیاسی در دو دهه اخیر محسوب می‌شود. این امر با رواج نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های سیاسی کثرت‌گرایانه پیوند می‌خورد. این موضوع مطرح است که اگر اصلاً هیچ "ما"ی سیاسی روشنی وجود ندارد (نفی هویت واحد)، اگر شرایط طبقاتی مشترک قابل تصور نباشد (نفی وحدت موقعیت اجتماعی)، اگر نتوان از سیاست طبقاتی مشترکی سخن گفت (نفی راهبرد مشترک)، در آن صورت چگونه می‌توان از ایده رهایی کسل دفاع کرد؟ کثرت‌گرایان جدید رادیکال، دقیقاً با تأکید بر همین اصل، از لزوم کثرت عقاید و اندیشه‌ها و راه حل‌های سیاسی دفاع می‌کنند و یک نسخه سیاسی واحد را اصلاً توصیه نمی‌کنند. از این دیدگاه، وجود شرایط سیاسی متفاوت، تفاوت‌های جنسیتی، سنت‌های مختلف و

به صورت یک ایده در حاشیه باقی می ماند، طبعاً نمی توانست منشأ تحول بزرگی شود و تغییر محسوسی در افکار ایجاد کند. این امر بدون تردید از میزان اهمیت آن می کاست. اگرچه مقبولیت عام یک عقیده نمی تواند دلیل بر درستی آن باشد، ولی شاهدهی بر نفوذ و اهمیت آن است. این امر می تواند پیامدهای سیاسی گسترده ای به بار بیاورد. مک لنان به درستی به این نکته اشاره می کند. او بیشتر بر پذیرش کثرت‌گرایی توسط رشته های دانشگاهی متعارف مانند جامعه شناسی تأکید دارد و معتقد است که جامعه شناسی در کنار مطالعات فرهنگی، توجه زیادی به روش های کثرت‌گرایانه نشان می دهد. (ص ۶۵) بر نگارنده لازم است این نکته را اضافه کند که این امر تنها در عرصه دانشگاهی و حوزه نظریه پردازی محدود نمی ماند، بلکه در مورد سیاستگذاری های عملی دولت های غربی نیز مصداق پیدا می کند. نگاهی به بیانیه ها، برنامه اجلاس های بین المللی و اظهارات مقام های سیاسی - فرهنگی در اقصی نقاط

پسامدرنیستی، پسا - استعماری<sup>۱</sup> و پسا فمینیستی<sup>۲</sup> می داند. (ص ۷۹) این جنبش های فکری و سیاسی، نه تنها ممکن است در آینده منشأ بروز شیوه های جدید پیکار سیاسی در کشورهای صنعتی و در حال توسعه گردند، بلکه می توانند حتی نگاه انسان ها به سیاست، جامعه، فرهنگ و فلسفه را نیز تغییر دهند. به این ترتیب، دامنه تأثیر کثرت‌گرایی بر جوامع بشری به مراتب بیش از آن است که ابتدا تصور می شد. بدون شک، با گذشت زمان ابعاد این تأثیرگذاری و نفوذ بیشتر مشخص خواهد شد.

اولویت های سیاسی نیز تحت تأثیر کثرت‌گرایی در حال تغییر است. یکی از موضوع های اصلی کتاب "کثرت‌گرایی"، بررسی تغییر اولویت ها است. کثرت‌گرایی جدید، از سر دلزدگی و سرخوردگی عمیق نسبت به انگاره های ساختارگرایانه و عقل‌گرایانه درباره جامعه و سیاست ظهور کرد. به علاوه، مسأله مهم این نیست که این نظرات برای نقد دیدگاه های حاکم و مسلط بر اندیشه و سیاست در غرب ابراز شدند، بلکه مهم آن است که این تفکرات به تدریج توسط روندهای اصلی فکری و سیاسی جذب می شوند. اگر کثرت‌گرایی جدید

1- Post - Colonialist

2- Post - Feminist

است. (ص ۴۳) به این ترتیب، برخی مشخصه‌ها و مسائل اضطراری جوامع در حال توسعه، امروزه گریبانگیر جوامع پیشرفته سرمایه‌داری شده است و زمامداران غربی خود را رو در رو این مسائل می‌بینند. در چنین شرایطی، آنها مجبورند سیاست مبتنی بر تفاوت را جدی‌تر بگیرند. به همین نحو، با ورود فرهنگ‌های غربی و مدرنیزاسیون به جوامع غیر غربی و تبادل فرهنگی با جوامع همسایه، در طول دو سده اخیر، آموزه‌های سیاسی و فرهنگی گوناگونی در جامعه‌های غیر غربی رشد کرده و این جوامع را مستعد پذیرش ایده‌های کثرت‌گرایانه نموده است.

به همین دلیل، نویسنده در بخشی از فصل چهارم کتاب به مسأله کثرت‌گرایی در جوامع در حال توسعه می‌پردازد، اما در این باره به‌طور مستقیم و صریح نظرات خود را مطرح نمی‌کند، بلکه آن را در قالب نظریه‌های مربوط به جامعه متکثر<sup>۱</sup> بیان می‌کند. در این ارتباط، نظرات ام‌جی اسمیت بررسی شده است. در نهایت، هواداران رویکرد جامعه متکثر از ابتلا به

جهان نشان می‌دهد که سیاستمداران دیگر قادر نیستند به سادگی کثرت‌گرایی را در حوزه فرهنگ و سیاست نادیده بگیرند و انواع فشارهای داخلی و بین‌المللی مانع از آن است. از این رو، آنها مجبورند - از روی تظاهر یا از صمیم قلب - دست کم در تبلیغات و سیاست‌های رسمی خود بر تکثرت‌گرایی به‌عنوان یک ارزش تأکید نمایند. بدون تردید، تحولات بین‌المللی و دگرگونی روابط نژادی - قومی در مقیاس جهانی، از جمله عوامل بسیار مؤثر در رشد دیدگاه‌های کثرت‌گرایانه در میان روندهای سیاسی - فرهنگی حاکم در غرب می‌باشد. برای نشان دادن ابعاد واقعی این تحول، به یک تحلیل دقیق جامعه‌شناسی نیاز هست. مک‌لنن تا حدودی این زمینه‌های عینی را توضیح می‌دهد، ولی متأسفانه توضیحات او بسیار محدود و ناکافی است و جا داشت که این موضوع مهم با تفصیل بیشتری و حتی در یک فصل جداگانه مورد بحث قرار می‌گرفت. به‌طور خلاصه، او چنین استدلال می‌کند که مهمترین دلیل جامعه‌شناختی رشد کثرت‌گرایی در غرب، افزایش مهاجرت مردمان غیر غربی به اروپا و ایالات متحده و جذب آنها در این جوامع



پست مدرن مربوط می‌شود. به عقیده او، این دیدگاه نه تنها به عقب زدن فلسفه و جایگزینی آن با عمل باوری ساده می‌انجامد، (ص ۶۶) بلکه در نهایت نوعی ملال و یکنواختی را به بار می‌آورد. (ص ۸۳) زیرا در این حالت افراد را از تعقیب یک برنامه خاص و واحد و دارای مزیت، بازداشته، همه نظریه‌ها یکسان جلوه می‌کنند و این امر مایهٔ یکنواختی می‌گردد.

در حال حاضر، یکی از بحث‌های داغ در میان نظریه‌پردازان و فیلسوفان سیاسی و علوم اجتماعی این است که آیا افراط در کثرت‌گرایی و شالوده‌شکنی<sup>۱</sup> موجب انحلال پروژهٔ سیاسی می‌شود یا خیر؟ استدلال مخالفان رادیکال این شیوهٔ کثرت‌گرایانه آن است که سیاست مبنی بر تفاوت، به تدریج به صورت تیره و مبهم به سیاست بی‌تفاوتی تبدیل می‌شود. در صورتی که کثرت‌گرایی حکم کند که هر صدایی قابل شنیدن باشد، در آن صورت هر قدر برای مثلاً مخالفان تبعیض نژادی جا باشد، همان قدر نیز برای هواداران تبعیض نژادی باید جا وجود داشته باشد. این طرز

تقلیل‌گرایی اقتصادی یا سایر انواع تقلیل‌گرایی احتراز می‌کنند و مخالف آنند که متغیرهای وابسته متعدد (مانند نژاد، قومیت، زبان، طبقه و غیره) در دستور اصلی بحث قرار بگیرد و به جای آن، به چندگانگی عوامل اصالت می‌دهند. (ص ۴۳) البته کثرت‌گرایی در جوامع در حال توسعه می‌تواند شکل‌های کاملاً متفاوتی داشته باشد، ولی مک‌لنن اشاره‌ای به این شیوه‌ها نمی‌کند. به‌طور کلی، بحث‌های او دربارهٔ جهان سوم بسیار موجز و مختصر است.

#### (۶)

نگرش‌های جدید کثرت‌گرایانه در برخی موارد، مانند الگوی فکری جامعهٔ متکثر، جنبهٔ مدرنیستی دارند و نفس امکان تغییر را می‌پذیرند و به نوعی موازنهٔ بین مؤلفه‌های مختلف سیاسی و فرهنگی دست پیدا می‌کنند. ولی کثرت‌گرایی در شکل "قوی‌تر" پست مدرنیستی آن نتایج حادتری دارد. به‌طور مثال، اینکه قبول کنیم امور ذاتاً چندگانه، مجزا و متمایزند و نمی‌توان منطق یگانه و کلیت و تمامیتی برای امور در نظر گرفت، باعث شکست برنامه‌ها با سیمای کثرت‌گرایانه می‌شود. به گمان مک‌لنن، چنین طرز تلقی به کم‌عمقی اندیشمندان

تلاش نمی‌کند و به‌خصوص به هنگام دفاع جانبدارانه‌اش از هگل‌گرایی، (ص ۲۸) این گرایش فکری ایده‌باورانه کاملاً آشکار می‌شود. در واقع، مک‌لنن برای اتخاذ این رویه دلیل خوبی دارد. او به درستی متذکر می‌شود که کثرت‌گرایی مفرط و عمل‌باوری صرف که به نفی ایده‌باوری و اصولاً تفکر فلسفی انجامیده است، در نهایت به نفع تجربه‌گرایی خام و جامعه‌شناسی‌گرایی<sup>۲</sup> تسمام می‌شود. بسیاری از صاحب‌نظران متوجه این موضع نیستند.

### (۷)

در نهایت، در مقام جمع‌بندی، می‌توان چنین گفت که از دیدگاه مک‌لنن، کثرت‌گرایی سابقه طولانی دارد و پیشینه آن تا منازعه‌های فکری انبذقلس و پارمندیس در یونان باستان می‌رسد. (ص ۲۶) از سوی دیگر، وی می‌پذیرد که کثرت‌گرایی جدید و کثرت‌گرایی قدیم از نظر بافت، لحن و آهنگ کلام، با یکدیگر فرق دارند. (ص ۵) با این حال، این نکته را نیز اضافه می‌کند که نباید در مورد تفاوت کثرت‌گرایی متعارف و کثرت‌گرایی

نگرش، بسیاری را برآن داشته تا کثرت‌گرایی جدید را مدافع افراط‌گرایی بدانند. به علاوه، این انتقاد نیز مطرح شده که کثرت‌گرایی نمی‌تواند توازن مناسبی میان جمع‌گرایی و فردگرایی برقرار کند.

مک‌لنن به برخی از این انتقادهای اشاره می‌کند، (ص ۸۴) ولی پاسخ مشخصی برای آنها ارائه نمی‌دهد. در این زمینه نیز موضع وی بینابین است. از یک سو از جمع‌گرایی و جزم‌باوری نگرش‌های راست آیین بیمناک است و از سوی دیگر، از رویکردهای فردباورانه و نسبی‌گرا احساس ناخرسندی می‌کند. او درحالی‌که حاضر به بازگشت به پروژه فلسفه کلاسیک برای ایجاد یک زمینه مشترک و جمعی برای فعالیت سیاسی نیست، از تنگناهای ناشی از به‌کارگیری کثرت‌گرایی گریزان است. به این لحاظ، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان او را یک کثرت‌گرای پا برجا، به معنای واقعی کلمه، نامید. مهمتر از آن، در اثر وی رگه‌هایی از آرمان‌گرایی و ایده‌باوری نیز به چشم می‌خورد. چنین دیدگاهی با نگرش‌های ضدشالوده‌گرایانه<sup>۱</sup> کثرت‌گرایی پست‌مدرنیستی کاملاً تباین دارد. مک‌لنن در پنهان کردن این جهت‌گیری فکری خود

1 Anti - Foundationalism

2- Sociologism

و عقل‌گرایی مفرط و طرز تفکر روشنگری خلاص کند و به جای آن، به طرز سودمندی قائل به چندگونگی روش شناختی باشد، بتواند گستره وسیعی از علائق اجتماعی و علائق گروهی را در صحنه سیاست نوین در نظر بگیرد و به طرز سودمندی میان دانش اجتماعی و علائق اجتماعی پیوند برقرار کند. چنین دیدگاهی نه تنها پیچیدگی‌های سیاسی را در نظر می‌گیرد، بلکه می‌کوشد برای هویت‌های اجتماعی مختلف حرمت قائل شود و تا حدودی اصل "برابرتفاوت" را احیا کند.

اما با توجه به معیارهای موجود، نمی‌توان آن را یک کثرت‌گرایی تمام عیار و قوی دانست، بلکه بیشتر به یک روایت اعتدالی و میانه روانه از کثرت‌گرایی شباهت دارد.

دکتر جهانگیر معینی علمداری

جدید زیاد اغراق کرد. به علاوه، به نظری به مرور زمان از شدت این تفاوت‌ها باز هم کاسته خواهد شد. (ص ۹۷)

این امر به معنای آن است که در آینده تفاوت موجود بین کثرت‌گرایی لیبرال و رادیکالیسم نوع جدید، باز هم کمتر خواهد شد و مواضع آنها بیشتر به یکدیگر شبیه می‌شود. او چنین فرض می‌کند که میان برخی مؤلفه‌های سبک جدید کثرت‌گرایی و مؤلفه‌های سبک قدیم آن هم‌پوشانی وجود دارد؛ درحالی‌که برخی دیگر از عناصر کثرت‌گرایی جدید کاملاً تازه و نوآورانه است. (ص ۳)

از این گذشته، نویسنده کتاب بیشتر به آن نوع کثرت‌گرایی گرایش دارد که به صورت فروتنانه وجود تعدد ارزش‌های فرهنگی را بپذیرد، با امپریالیزم فرهنگی مقابله کند و بکوشد خود را از زیر سایه سنگین علم‌زدگی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښکي  
پرتال جامع علومو انساني